

اشعیا ۴۹: ۱-۶

۱ ای جزایر، به من گوش فرادهید،
ای قوم‌های دوردست، دقت کنید!
یهوه مرا از رحم مادر فرا خوانده است،
از احشای مادرم نام مرا ادا کرده است.

۲ او از دهان من شمشیری برنده ساخته،
مرا در سایه دستش پنهان کرده است؛
او از من تیری تیز ساخته،
مرا در ترکش خود مخفی کرده است.

۳ به من گفت: «تو اسرائیل، خدمتگزار من هستی،
که از تو خود را جلال خواهد داد».

۴ او من گفتم: «خود را به خاطر هیچ خسته کردم،
نیرویم را برای نیستی صرف نمودم، برای بطلت».
با این حال، حق من نزد یهوه می باشد
و پاداشم نزد خدایم.

۵ و اینک یهوه سخن گفته است،
او که مرا از رحم مادر شکل بخشیده
تا خدمتگزار او باشم،
تا یعقوب را نزد او باز آورم
و اسرائیل با او بار دیگر متحد گردد،

- چرا که در نظر یهوه ارزش دارم
و خدایم قدرت من بوده است.

۶ او گفت: «چیز چندانی نیست که خدمتگزار من باشی

تا قبایل یعقوب را برخیزانی

و محفوظ ماندگان اسرائیل را باز گردانی؛

من تو را مقرر می‌دارم تا نور امت‌ها باشی،

تا نجاتم به کران زمین برسد.»